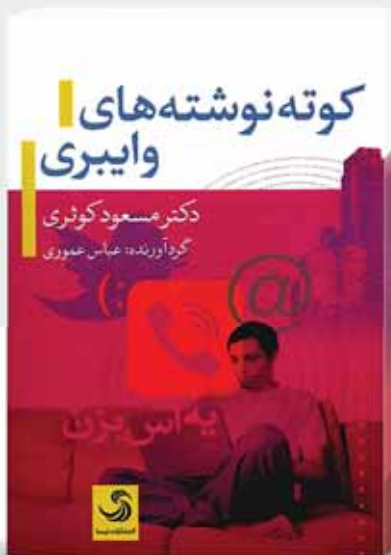


لطفاً لغت ندهید!

۷۱۸

معرفی کتاب «کوتاه‌نوشته‌های وایبری»



حسین حسینی نژاد
مدیر مسئول ماهنامه «انشا و نویسندگی»

کوتاه‌نوشته‌های وایبری

نویسنده: مسعود کوثری

گردآورنده: عباس عموری

انتشارات: تیسرا

نوبت و سال چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۳

قیمت: ۸۰۰۰۰۰ ریال

با توجه به گسترش شبکه‌های اجتماعی مدتی است این سؤال برایم پیش آمده است که داریم به کدام سمت می‌رویم و مسیری که در آن پیش می‌رویم درست است یا باید در آن تغییراتی ایجاد کنیم. هر هفته یا هر ماه عضو گروهی می‌شویم، گروهی را راه می‌اندازیم و پس از مدتی از آن خارج می‌شویم؛ این حسن است یا ایراد؟ راستش ذهنم خیلی مشغول بود. به‌ویژه وقتی مطلبی می‌گذاشتم و کسی توجه نمی‌کرد و گلی و بوته‌ای نمی‌فرستاد و به اصطلاح لایک نمی‌کرد، دلخور می‌شدم. می‌گفتم این گروه قدر کار مرا نمی‌داند. کمی این‌دست و آن‌دست می‌کردم و با خودم می‌گفتم باید این گروه را ترک کنم و کمی لغتش بدهم تا قدر مرا بدانند. تا اینجای کار فکر کنم نظر شما هم با من یکی باشد. البته شاید شما هم تجربه دعواهای اعضا و «لغت» دادن‌ها را داشته باشید. بگذریم؛ در همین افکار بودم که در یک کتاب‌فروشی کتابی توجهم را جلب کرد.

عنوان کتاب «کوتاه نوشته‌های وایبری» بود. آن را ورقی زدم و دیدم یادداشت‌های استاد مسعود کوثری است که عباس عموری آن را به همت نشر تیسرا منتشر کرده است. فهرست را که نگاه کردم توجهم بیشتر جلب شد:

«ببینید ما چقدر بدلی حرف می‌زنیم! چندوقون ادبیات اینترنتی، حریم خصوصی آقا و خانم داتکام، والدین هلیکوپتری، ما گدایان لایکیم، این تلفن زیادی همراه، رفتارشناسی ایرانیان در فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی پیچیده‌تر از آنچه فکر می‌کردیم، شبکه‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی، فضای مجازی و پاسخگویی حکومت‌ها و...»

همیشه از خود می‌پرسیدم که آخر چرا جوانان با این ادبیات با هم حرف می‌زنند. پاسخ این سؤال در صفحه ۱۱ کتاب خواندنی بود: «توی این زبان فشردگی هست؛ یک نوع طنز و هجو، یک نوع بی‌نظمی و به‌هم‌ریختگی که برای جوان‌ها جذاب است. یک نوع بازی زبانی که دنیای آن‌ها را کاملاً از دنیای بزرگ‌ترها، والدین و حتی معلم‌ها و مربیان جدا می‌کند؛ از همان کسانانی که نماینده فرهنگ بزرگسال و رسمی جامعه‌اند. پس مسئله این نیست که زبان و ادبیات آن‌ها ضعیف است. نه! این زبان حرف زدن با برویکس/ یا برویج (دوستان و بچه‌ها) است که لذت خاص خودشان را دارد. این زبان فشرده است.»

نویسنده این کتاب معتقد است که در حال حاضر فرهنگ جدیدی به‌وجود آمده است که در آن جوانان تمایل دارند حرف خودشان را از بزرگ‌ترها پنهان کنند. به عبارت دیگر، نوعی زبان رمزی به‌وجود آورده‌اند که برای بزرگ‌ترها و والدین یا مسئولان رسمی فرهنگ، مفهوم نیست. این موضوع در سایر نقاط جهان هم وجود دارد. در گذشته، زبان زرگری یا مسگری بین اصناف زرگر و مسگر وجود داشت و افراد به کمک آن‌ها حتی در حضور مشتری با هم صحبت می‌کردند و کسی نمی‌فهمید. امروز این زبان‌ها در اصناف کم‌رنگ شده و به‌جای آن زبانی در میان جوان‌ها شکل گرفته است که در آن رمزی حرف زدن و فشرده‌سازی محور اصلی است. گویی جوانان با به‌کار بردن این زبان، دیواری شیشه‌ای بین خود و والدینشان کشیده‌اند.

کاش می‌توانستم همه نکته‌های کتاب را در این یادداشت بیآورم اما عملاً امکان‌پذیر نیست. حداقل کاش نشریه جا داشت که کل مطلب «ما گدایان لایکیم» را اینجا بیآورم. این هم ممکن نیست اما نمی‌توانم جلوی خودم را بگیرم و قسمتی از آن مطلب را با شما شریک نشوم؛ چون خیلی برایم جالب است: «... هرچه داری باید حراج کنی. باید هرچه به نظرت در تو ارزشمند است، در معرض قضاوت دیگران بگذاری. اولش حتماً یک چیزهایی پیدا می‌شود که برای دیگران جالب باشد و لایکش را بگیرد ولی هرچه جلوتر می‌روی این چیزهای جالب کمتر می‌شوند و کم‌کم از اتوبان به جاده خاکی می‌روی. دیگر چیزی ته انبانتان پیدا نمی‌شود که به معرض قضاوت بگذاریم. حالا باید بگردیم و ته انبان وجودمان یک چیزهایی برای نمایش، برای قضاوت و خوش آمدن (لایک) دیگران پیدا کنیم و پیدا نمی‌کنیم. اینجاست که تازه رقابت‌های منفی شروع می‌شود.»

حتماً اگر به‌گرددآورنده مطالب و نیز جناب کوثری دسترسی داشتیم، به پاس توجه به این مسئله مهم روز از آنان تشکر می‌کردم. چه می‌دانی... شاید یک روز این برگ سبز را در جایی خواندند و لایکی برای ما زدند!